



توسعه ی شهرها و نقش آنها در شکل گیری سیلابهای مخرب شهری

پیمان کریمی سلطانی

دانشجوی دکتری ژئومورفولوژی دانشگاه رازی کرمانشاه. - kpeyman56@yahoo.com

چکیده

توسعه ی سریع فیزیکی شهرها در حوضه های آبخیز و گسترش بی رویه ی شهرها در حریم رودخانه ها، مسیل ها و خشکه رودها، در سال های اخیر شدت بیشتری یافته است و پیامدها و خسارات ناشی از طغیان رودهای شهری نیز چند برابر شده است. اصولاً رودخانه ها و حتی خشکه رودها به صورت دوره ای طغیانی شده و اراضی اطراف و بسترهای استثنایی خویش را زیر آب می برند؛ در این بین، شکل گیری و گسترش شهرنشینی و به تبع آن تغییرات وسیع کاربری اراضی اطراف رودخانه ها، دوره ی برگشت طغیان ها و همچنین مقدار زمان تمرکز آنها در درون حوضه های آبریز را تا چند برابر کاهش می دهند. در این مقاله ی مروری، به دنبال بررسی تأثیرات تغییر کاربری وسیع اراضی کشاورزی و مرتعی به زمین های شهری و همچنین، پیامدهای تجاوز به حریم و بستر رودها و مسیل ها توسط اجزای شهری و بالاخره بررسی نقش این تغییرات در شکل گیری و بروز سیلابهای شهری هستیم. شکل گیری و گسترش شهرها مترادف با تغییر کاربری اراضی می باشد و تغییر کاربری اراضی مترادف با افزایش خیابانها، خانه ها، تأسیسات، امکانات شهری و در مجموع افزایش سطوح غیر قابل نفوذ می باشد. در طی این فرآیند مقدار آب و فاضلاب ناشی از بارشها که قبلاً در حوضه های آبریز به درون زمین نفوذ کرده و سفره های آبهای زیرزمینی را بوجود می آورد به رواناب تبدیل و سبب آبگرفتگی خیابان ها و کوچه ها می شود. از سوی دیگر سطوح سیمانی، آسفالته، ایزوگام و بتونی زمان تمرکز آنها را چندین برابر کاهش و تعادل بین تجمع روانابها و خروج آنها از حوضه های شهری را مختل نموده است. توسعه و گسترش فیزیکی شهرها، کمبود فضا و سود جویی دلالتان اراضی شهری، منجر به تجاوز به حریم و بستر رودها و دخالت و دستکاری های متعددی در درون و بستر رودخانه و اراضی پیرامونی آنها شده است. برداشت شن و ماسه از بستر رودها منجر به بهم خوردن سیستم هیدرولیکی آنها شده و طغیانی شدن آن را در پی دارد. ایجاد دیواره های طولی (در صورتیکه با مطالعات دقیق اولیه همراه نباشد)، پر نمودن و کاهش فضای بستر رودها و مسیل ها، ریختن زباله ها و نخاله های ساختمانی و همچنین ساماندهی غیر علمی رودخانه ها، فرآیند خروج طبیعی و به موقع روانابهای ناشی از بارشها را با مشکل مواجه کرده و طغیانی شدن رودخانه و بالاخره به زیر آب رفتن اماکن و تأسیسات شهری را به دنبال دارد.



کلمات کلیدی: توسعه شهرها، سیلابهای شهری، بستر و حریم رودها، ساخت و سازهای شهری، سطوح نفوذناپذیر.

مقدمه:

انسان غربی، مردم بومی استرالیا، رودخانه نشینان فراتی، شهروندان کارونی و زاینده رودی، همه ویژگی های مشترکی دارند و قسمتی از محیط سخت و ناسازگار را همسان می بینند، اما در خصوص منابع بالقوه و استفاده از رودها در وضع متفاوتی قرار می گیرند. عوامل حساسی که آنها را از هم جدا می کند، مجموعه ی برداشت ها و آموخته های فرهنگی آنان است. حتی در جامعه های غربی که خود را پیشرفته می دانند، ممکن است واکنش ها نسبت به رودخانه ای معین تفاوت زیادی داشته باشد؛ برای مثال بسیاری از گروههای انسانی، محیطی از رودخانه را اشغال می کنند که گرفتار مخاطرات قابل پیش بینی است و یا به نحوی با رود رفتار می کنند که آن را مخاطره آمیز می کنند. عدم رعایت حقوق رودخانه در میزان مخاطره آمیز شدن آن خود را نشان می دهد (مقیمی: اکوژئومورفولوژی و حقوق رودخانه، ۱۳۸۸، ۲۶۵).

شهرها معمولاً در مسیر یک یا چند رودخانه قرار می گیرند. غالباً ساختمانهای گوناگون شهری از قبیل بناهای مسکونی، آپارتمانها، مراکز صنعتی و غیره، در روی مواد رودخانه ها، یعنی آبرفت ها بنا می شوند. گرچه عبور رودخانه یا رودخانه ها، از وسط شهرها یا از کنار آنها، از جهاتی موهبت بزرگی به شمار می آید، اما در بعضی موارد، جریان آنها از مراکز تجمعات انسانها، آثار شومی در بر دارد که اگر به موقع و با کسب آگاهی های لازم در برابر تخریب و فرکانس بروز حوادث و نظایر آنها، چاره اندیشی نشود، میزان خسارات حاصل سنگین و گاهی غیرقابل جبران خواهد بود. به طور کلی رودخانه ها با طغیان و لبریز شدن و تغییر شکلهای بستر خود موجب تخریب و ویرانی در ساختمانها و مراکز مسکونی و صنعتی شهر ها می شوند (رجایی، ۱۳۸۷، ۲۱۲).

محیط طبیعی مطلوب شهری محیطی است که سلامت، امنیت و بهزیستی شهروندان خود را تأمین کند. ارائه ی تعریفی برای سلامت مشکل است و به ساختار اجتماعی و محیطی بستگی دارد. سه خصوصیت اصلی محیط که بر سلامت نقش دارند شامل بقا، ایمنی و سازگاری می باشند (مقیمی، ۱۳۸۸، ۹۳). اینکه انسان خود عامل بدبختی ها و خوشبختی هایش است، عقیده ی جدیدی نیست و در متون دینی نیز همین تصورات دیده می شود، البته این مسأله ی فکری بدون پایه هم نیست، چون بی